

تا به خشین جاو فرستاد . و اردوی شوره کل هم در تحت امر مستقیم عباس میرزا شروع به تعرض نموده قریه باش آذربایجان را تصرف نمود . در این اثنا از نیروی روس ، ابداً مقاومتی بروز نکرد . با وجود این عباس میرزا به عملیات تعرضی ادامه نداد وی کاملاً مراقب اوضاع سیاسی بوده انتظار داشت که فتوحات ناپلئون را بشنود و دخول دولت عثمانی را هم بچنگ عملاً مشاهده نماید .

تحریرات و تشویقات ناپلئون در مملکت عثمانی بنا بر انقلابات داخلی آن دولت ، خیلی عقب افتاد . در صورتیکه ناپلئون با ژنرالهای ماهر قشون عثمانی را تسبیق و با سیاسیون دقیق افکار وزیرای آن دولت را بدست آورده بود .

با وجود این دولت عثمانی زودتر از تیر ماه حاضر بچنگ نشد از آنسوی فرمانده ارتش قفقازیه روس « گراف کدوویچ » با دولت عثمانی نیز کار بمعادات و مبارات میرفت خواست تا با دولت ایران از در مصالحه و مدافعه بیرون شود ، بنا بر این بر حسب فرمان امپراطور روس ایشیک آقاسی خود را که استپانوف نام داشت روانه قرارگاه ارتش ایران نمود . امنای دولت ایران در جواب گفتند که بمصالحه با دولت روسیه گراهنی نیست بشرط آنکه اراضی ایران را در قفقازیه پس بدهید .

نماینده دولت روس بدون جواب به نزد مارشال گراف کدوویچ برگشت .

در خلال این اوقات چون اتحاد نظامی ایران و عثمانی و فرانسه

معلوم و به امضاء رسید ، لذا روسها در فکر پیدا کردن متفق از برای سمت آسیا افتادند .

ائتلاف فرانسه ، عثمانی ، ایران بدواً بنظر میامد که اتحادیون را از حیث عده و وسائل تفوق خواهد داد . اما بواسطه فقدان تهیه قبلی برای جنگ و دوری مسافت و نداشتن انتظام و مخصوصاً احضار نکردن يك خط مشی مشترك بدواً نتوانستند که از آن استفاده کنند .

در خلال این موقع ژنرال کاردان با بیست و پنج فرستشاران نظامی و با نقشه جنگی نابلیئون به ایران وارد شده و بدون فوت وقت بتشکیل و تجهیز نیروی احتیاط مشغول گردید .

ژنرال کاردان قبل از اینکه از خاک عثمانی به کشور ایران وارد شود ، نقشه تعرض ارتش عثمانی و ایران را بر ضد روسیه به پاشایان عثمانی شرح داده توحید عملیات جنگی را از آنها استدعا کرده بود . در این تاریخها نابلیئون در جبهه اروپای شرقی بسمت جبهه ارتش روس توجه کرد ، پس از تهاجمات شدید در (فریدلند) ارتش روس را در هم شکست . مد از شکست خصم بقیه سپاه تازه نفس را سرداری « داووت » و « مورا » از پی فراریان بصوب خط (نیمن) فرستاد در خلال این اوقات تسار روس تقاضای صلح کرد . دو امپراطور مستقیماً مذاکرات صلح را بدون اینکه راجع به وضعیت ارتش ایران و عثمانی حرفی بزنند در قصبه (نیلست) انجام داده و در روزی قایقی در وسط رود خانه نیمن از یکدیگر دیندار کردند (۲۶ ژون ۱۸۰۷ م)

پادشاه روس که جز يك قصبه كوچك محل در آن طرف رود نيمن
برایش باقی نمانده بود، در این ملاقات اصلاً پذیرفته نشد و در جریان
مقاولات او را مداخله ندادند و تمام خسارت جنگ بگردن او افتاد.

پس از معاهده تیلست (۸ ژوئیه ۱۸۰۷ م) وضعیت جنگ عمومی
اول بکلی تغییر کرد، در اینوقت عهدنامه داد بین ناپلئون و امپراطور
روس انعقاد یافت که در حمله و دفاع دشمنان شريك و ياور يك
ديگر باشند.

پادشاه روس تمام تغییراتی را که ناپلئون در ممالک اروپا داده
بود برسمیت شناخت و در مقابل ناپلئون هم متعهد شد که در میان سلطان
عثمانی و دولت روس که مشغول جنگ بوده اند، میانجی گری واقع
گردد و اگر سلطان عثمانی نپذیرد آنوقت خاک عثمانی را تجزیه
نموده و برای سلطان جز شهر اسلامبول و يك قسمت از بالکان جائی
را باقی نگذارند. اما از برای ایران فقط صلح و تخلیه قسمت شمالی
ارس مورد مذاکره بود.

اتحاد روس و فرانسه و ختم جدال در حبه اروپا، ارتش ایران
را که از پنجسال به اینطرف با روسها در جنگ بود، بخطر انداخت
وضعیت داخلی دولت عثمانی هم اسباب خطر بود. چه انقلابات سخت
هر روز با قیافه های مهلك و مخصوصاً عصیان ارتش نیکبچری بر ضد
دولت مرکزی، اتحاد نظامی ایران و عثمانی را شدیداً تهدید مینمود.
با وجود این فرمسانده ارتش ایران قبل از اینکه روسها از
جبهه اروپا قشون امدادی به قفقازیه بیاورند، حاضر شد که باتفاق

ارتش عثمانی شروع بتعرض نماید ولی ارتش شرق عثمانی بقدری ضعیف و ناتوان بود که ، تشریک مساعی نظامی با پاشایان (قارص) و (ارض روم) بسیار مشکل بود .

باری عباس میرزادر اوایل زمستان در جبهه طالش و قره باغ حالت دفاعی احراز و در جبهه شوره کل شروع بتعرض نمود .

اردوی شوره کل در تعقیب دره آرباچای بسمت شمال حرکت نموده پس از سه روز راه پیمائی به اردوی اول روس که بسرعت بطرف جنوب میامد برخورد بیست و شش هزار تفری اردوی ایران تمام روز در مقابل چهل هزار ارتش اول روس مقاومت کرده و پس از آنکه از ورود قشون عثمانی مأیوس شد ، شروع به عقب نشینی بطرف اوچ کلیسا کرد و روسها هم برای اینکه از خاک عثمانی به پهلوهای طرفین خطری متوجه نگردد ارتش اول ایران را تعقیب نکردند .

خلاصه از آنکه ارتش عثمانی در روز معین نتوانست به حوضه آرباچای قدم بگذارد ، اردوی شوره کل ایران با دادن چهار هزار نفر تلفات وضعیت عمومی جبهه کل را بخطر انداخت .

بعد از این تاریخ بواسطه سرمای شدید و فحطی فراوان تا اوایل بهار سال ۱۲۲۳ هـ ارتش ایران نتوانست خود را جمع آوری نموده به فکر جدال جدیدی بر آید .

ارتش عثمانی نیز در قلاع قارص و اردهان حالت دفاعی گرفته منتظر حرکت ارتش ایران گردید .

مبحث ششم - دوره پنجم جنگ - سال خطر

وضعیت عمومی طرفین
در سال ۱۲۲۳

این است سال پنجم جنگ با يك وضعیت بسیار
تاریک خاتمه یافت هیچ علایم و اماره از برای

بیش بینی وضعیت عمومی سال جدید موجود

نبود . اوضاع مجهول اروپا و مخصوصاً ظهور جنگهای بزرگ در اسپانی
بر ضد ارتش فرانسه وضعیت ارتش ایران را بکلی خطر انداخت مسئله
اسپانیا طوری مهم بود که . ناپلئون کلیه مسائل مشرق را فراموش
کرد . عموم مردم اسپانیا سلاح جنگ بر گرفتند و زدو خوردی
شروع شد که پنجسال تمام ناپلئون را بخود مشغول داشت و عاقبت وی
را مغلوب ساخت در خلال این احوال (۲۰ صفر سال ۱۲۲۳ . ه)
آلکساندر امپراطور روس را جاه طلبی از هر سوی به بسط و امید داشت .
مثلاً در مغرب از تعرضات ناپلئون آسوده شده و در قفقاز به و حوضه
رود دانوب در شمال رومانی به ارتش عثمانی غلبه کرده و از انقلابات
داخلی آن کشور منافع عمده حاصل نموده که ، تقوّه حکمی در شبهه
جزیره بالکان ایجاد و ملل اسلاو ترا د آن ناحیه را بر ضد دولت عثمانی
تحریک به این وسیله حلقه اسلاوهای جنوبی را با امپراطوری روسیه
استوار ساخت .

بنابر وضعیت قطعه اروپا ، ایران و عثمانی که هر دو در اوایل

قرن نوزدهم ضعیف و از مدنیّت جدید مغرب زمین دور افتاده بوده

اند ، در مقابل چندین میلیون ارتش روس تنها مانده اند .

امپراطور روس در مقابل ناپلئون مغلوب و شرائط معاهده تیلست را که برای روسیه هیچ اهمیت نداشت قبول کرد ولی در مقابل در حدود عثمانی و ایران قدرت خود را حفظ کرد - زیرا که عقب نشینی ارتش ایران از حوضه آرساچای و تصرف حوضه رود کورا و قره باغ و نصف ناحیه شوره کل از ارتش ایران برهان قاطع این امر شمرده میشود .

عدم موفقیت اردوی شوره کل ایران در تعرض سال پنجم ، سبب عمده رویه فرمانده ارتش شرق عثمانی بود که نایب السلطنه را در موقع لزوم مدد نرسانید این عدم توافق نظر برای هر دو طرف ضرر های عمده رسانیده ، روسها کاملاً از این اوضاع استفاده نموده اند .

در اول بهار سال ۱۲۲۳ هجری در هر چهار جبهه سکونت کامل حکمفرما بود .

در تاریخ ۲۳ ماه صفر روسها باز پیشنهاد صلح کردند ولی عباس میرزا چون دولت عثمانی هنوز در جنگ باقیست غیر ممکن بودن صلح را تا زمانی که دولت روس با سلطان عثمانی مصالحه نکنند ، به روسها استعلام کرد

مارشال کراف کدوویچ سردار ارتش روس در قفقازیه در تاریخ ۱۴ ربیع الاول ۱۲۲۳ - هـ مجدداً پیشنهاد صلح کرد و به ژنرال کاردان رئیس مستشاران نظامی و سفیر دولت فرانسه نیز مکتوبی فرستاد بدین شرح که (چون میان دولت روس و فرانسه کار برمهد و

حفاظت می‌رود ، لذا قواعد محبت و اتحاد را در میان ایران و روس استوار کنید) و در این تاریخها هم از طرف ناپلئون به ژنرال مزبور امر شده بود که میان ایران و روس را تسویه کرده ، مصالحه بیطرفانه را برقرار سازد .

ژنرال مزبور ، آرزو داشت که جنگ روس ایران نزدی خانمه یافته از امپراطور خود منصب عالی تری دریافت دارد .

بدین مقصود وی با کمال جدیت در میان روس و ایران وساطت نموده متار که (۲۹ ربیع الاول ۱۲۲۳ - ۱۵) را به وجود آورده و برای مصالحه داخل مذاکره گردید .

ژنرال کاردان و میرزا نوزک قائم مقام در این مدت متار که جنگ با نمایندگان دولت روس مذاکرات و مباحثات کرده و بالاخره کار بجائی نرسید و عاقبت مارشال کدوویچ مذاکره را بهم زده مجدداً داخل عملیات شد .

از اول سال ۱۲۲۳ - ۱۵ مارشال کدوویچ در

**تعرض بزرگ مارشال
کدوویچ**

جبهه ایران و عثمانی با راستن سه سپاه بزرگ برداخت . فعالیت مارشال مذکور موجب شد

که در ظرف سه ماه و نیم شماره ارتش قفقازیه به یکصد و پنجاه هزار نفر رسید که چنین عددی در ارتش روس در این شش سال جدال بی نظیر بود .

فرمانده روس از حکمدار خود ، دستور داشت که در خاک ایران قلاع ثلاثه و در کشور شرقی عثمانی قلعه قارص را تا واسط تابستان تسخیر

نماید . لذا فرمانده مذکور تصمیم گرفت اولاً در جبهه عثمانی دفاع و در جبهه ایرانیان شروع بتعرض نماید . چه عثمانی‌ها در جبهه دانوب و رومانی در مقابل روسها مغلوب شده و نمیتوانستند به جبهه شرق قوای امدادی بفرستند . لذا کدوویچ روز دهم ربیع‌الثانی ۱۲۲۳ از کوههای کمبری گذشته با اردوی اول به شوره کل داخل شد . در اینموقع اردوی شوره کل ایران هنوز کاملاً تمرکز نیافته بود . سواران افشار و جلابری از طرف (ارارات) حرکت کرده و تازه به (دوهلو) در ساحل شمالی رودارس رسیده بودند . امان‌الله‌خان پسر فرج‌الله خان بادمان با دو هزار سوار نظام چیک از طریق نخبجوان - ایروان پیش آمده و در قریه ینک اقامت داشت . و دو هزار نفر ارتش از اهالی سلماس و خوی در فاصله ماکو و سردار آباد مقام کرده ولی هنوز لوازمات جنگی خودشان را حاضر نکرده بودند .

در خلال این اوقات اردوی اول روس در تحت فرماندهی مستقیم مارشال کدوویچ از دره آریاچای سرانبر شده بدون مانع داخل جلگه اوچ کلیسا گردید .

در این اثنا اردوی دوم روس هم در جبهه قره باغ بریاست ژنرال نیلسن شروع بتعرض نمود . اما در جبهه طالش درین طرفین سکونت حکمفرما بود .

کدوویچ در روز شانزدهم ماه سردار آباد و اوچ کلیسا را تصرف و روز ۱۹ ماه بطرف ایروان حرکت نمود .

در این تعرض بزرگ کدوویچ ، عباس میرزا شك داشت كه اردوی قره باغ روس در چه وضعیتی قرار خواهد گرفت . با وجود این وی کلیه سوار نظام را به منطقه شور کمل فرستاده بشتاب مارشال کدوویچ رفت .

روز ۲۵ ماه نیروی روس ، قوای متفرقه ایران را در نقاط مختلف مغلوب و عقب راند و ۲۶ ماه به محیط قلعه ایروان رسید . در این موقع وضعیت اردوی ایران بسیار بد و تمام قسمتها متفرق بوده اند و قلعه ایروان هم بیش از سه هزار نفر مستحفظ و یازده عراده توپ نداشت . اگر مارشال کدوویچ فرمانده کمل نیروی روس قدری عجله کرده و خود را در میان دستجات متفرق و پراکنده عباس میرزا قرار میداد ، نظر بتفوق عددی ، اردوی او میتوانست یگان یگان آن افواج را از میان بردارد . اما مارشال مزبور شتابی نکرد و از جبهه عثمانیها هم مطمئن نبوده و بدینجهت در کمال تأنی روز ۳۰ ماه پس از گذاشتن عده مخصوصی از برای محاصره قلعه ایروان ، از جنوب آن قلعه گذشت و روز چهارم جمادی الاول به قریه (دوهلو) رسیده و بعد از ظهر به نیروی ایران حمله آورد .

نبرد تاغروب با کمال شدت ادامه داشت و بعد از غروب آفتاب روسها ، ایرانیان را از حدود (دوهلو) بطرف (قراخ) راندند و روز بعد در مکان اخیرالذکر حمله سخت بردند ، در میان گیرودار سواران افشار و جلایر از شمال غربی رود ارس رسیدند و ارتش روس را درین دو حمله قرار داده از کار انداختند و ذخیره کشری بیچنك

آورده آنها را از حدود فراخ طرد کرده و فوراً حالت دفاعی احراز
مینمایند . ولی وضعیت در جبهه قره باغ کاملاً خراب بود .

محاربه نخجوان
چه در این اثنا اردوی قره باغ در مقابل اردوی
مرکزی روس طاقت نیاورده بطرف پل

خدا آفرین عقب نشینی میکنند و روسها بدون تأمل آنها را تعاقب
کرده بادوستون بسمت جنوب حرکت میکنند . ستون اول به خدا آفرین
و ستون دوم آن اردو از راه (خنزیره ک - قر کلیسا - محه و د آباد -
جانوی) به شهر نخجوان متوجه میگردد و برای رسیدن به شهر مزبور
جهت بلیغ مینمایند :

روز ۹ جمادی الاول اردوی شوره کل ایران از دو سمت مورد
تهدید دو اردوی روس واقع میشود . چهاردوی ژنرال نلسین از شمال
شرقی و اردوی مارشال گدوویچ از طرف شمال غربی بسرعت بروی
اردوی شوره کل ایران تعرض کرده ، او را به ریختن رود ارس
تهدید میکنند

در مقابل این عملیات عباس میرزا چاره جز تخلیه نخجوان و
عقب نشینی بسمت رود ارس نمی بیند .

اما در قلعه ایروان با دفاع درخشان عقب سر کدوویچ را تهدید
و بدین وسیله از سرعت حرکت آنها جلو گیری میکند در این موقع
اردوی شوره کل با محاربات سبک تری بتدریج عقب نشینی میکند .
حسین خان سردار باعده قلیل خود ، رزمی مردانه داد و سودی در

ککش و کوشش خود نیافت ناچار به تپه های جنوب شتافت فرم - مانده کل چون این بشنید . فرج الله خان را با پنجهزار سوار از راه (چورس) و امان الله خان را از طریق شهر نخجوان به مدد او فرستاد و احمد خان مقدم را بحفظ حدود نخجوان امر فرمود و امیرخان را با گروهی بطرف شمال شرقی فرستاد که با اردوی قره باغ روس حفظ تماس نموده و بعد بتدریج عقب نشینی کند .

مدت دو روز ارتش ایران در يك وضعیت خطرناکی و بدون اینکه موفق شود در يك نقطه قوای خود را تمرکز دهد ، با روسها در زدوخورد بود . ولی همینکه از نزدیک شدن اردوی قره باغ روس مطلع گردید ، فوراً تمام ارتش را بطرف (قره بابا) پس خواند . روز ۱۲ ماه اردوی گدوویچ به اردوی ایران رسید ولی اردوی قره باغ روس در مقابل عده قلیل ایرانیان بنا بر وضعیت جناحین و عقب سر که در این موقع از طرف اردوی قره باغ ایران مور - تهدید واقع گشته بود ، شروع بعقب نشینی مینماید که بدین ترتیب دو اردوی روس که بنا بود در حدود نخجوان بهم دیگر برسند ، عملی نمیشود .

اردوی گدوویچ همین روز (۱۲ ماه) به گمان اینکه عنقریب ژنرال نلسین از عقب سر عباس میرزا حمله خواهد نمود ، به شدت تعرض میکند و در این تعرض تنها مانده شکست سخت میخورد و بطرف ابروان بر میگردد و ایرانیان مجدداً شهر نخجوان را میگیرند .

اردوی ایران چون از عملیات جنگی قره باغ اطلاعی نداشت لذا از شهر زبور جلو تر نمیروند .

در خلال این اوقات مارشال کدوویچ برای تصرف قلعه ایروان
کوشش میکند ولی موفق نمیشود .

روز ۱۷ ماه همینکه وضعیت در قره باغ معلوم گردید ، عباس
میرزا بطرف ایروان شروع بتعرض مینماید .

از این تاریخ ۲۱ جمادی الاول ایرانیان در هر جبهه شروع
به پیشروی میکنند و تا اواسط ماه جمادی الثانی به مکان های قبل از
تعرض بزرگ روس میرسند و قلعه ایروان در این دفعه هم با کمال
مناات در مقابل حملات روسها دفاع نموده شان و عظمت ارتش ایران
را حفظ مینماید .

عدم موفقیت روسها در جبهه شرقی و غربی عثمانی نیز موثر
واقع شده . ارتش عثمانی با وجود اختلال داخلی در خاک رومانی به
موفقیت های درخشانی نائل گشت .

دو ماه بعد ، مارشال کدوویچ باز بجلگه شوره کل تعرض
کرد . عباس میرزا در این بار نیز نقشه پیش را بکار برد . یعنی همین
که مارشال کدوویچ به شوره کل و ژنرال نلسین به حوضه مرکزی
ارس رو آوردند ، عباس میرزا نصف اردوی مرکزی را در پل خدا قرین
گذارده و نصف دیگر آن را به نخجوان جلب و با اردوی شوره کل
متحد ساخته به مقابله کدوویچ شتافت (۲۲ - شوال - ۱۲۶۳) و او را
در شمال غربی نخجوان مغلوب کرده بعد با نصف اردوی خود به
نلسین رو آورد و وی را در روز ۲۹ شوال ۱۲۲۳ . شکست داد
و ژنرال مزبور بقیه اردوی خود را برداشته راه قره باغ و کتل (سیسیان)

پیش گرفت . چون زمستان بسیار سخت بود لذا ارتش ایران در جلگه های ارس و شوره گل مانده به اراضی کوهستان قدم نگذشت و بدین وسیله تا اوایل بهار درین متخاصمین - کونت حکمفرما بود . وضعیت سیاسی دنیا طوری پیش آمد کرد که متخاصمین هر روز با يك وضعیت تازه و با نقشه مهمتری مواجهه میشده اند . چه در این موقع که امپراطور فرانسه ناپلئون با کارهای اسپانیا سرگرم بود تا گه آن خبر اتحاد خامس دول ضد او رسید ، ولی ناپلیون گمان نمیرد که روسها هم داخل این اتحاد بشوند .

در این زمان مستشاران نظامی فرانسه از ارتش ایران خارج شده از راه روسیه بمملکت فرانسه رفتند و بدین وسیله ثابت شد که دیگر فرانسه با دولت ایران متفق نیست . در این اثنا دولت انگلیس موافق شد که دولت ایران را با خود متفق سازد .

در جبهه های ایران و روس تغییراتی پیش نیامد . فقط در ۲۸ ذی قعدة ۱۲۲۳ . ه ز د و خورد مختصری در جبهه قره باغ اتفاق افتاد و از این معلوم شد که روسها میخواستند بفهمند که نیروی ایران در کدام جبهه ضعیف میباشد .

مبحث هفتم - دوره ششم و سال هفتم حرب

در سنه « ۱۲۲۴ . ه روز چهار شنبه ۴ ماه صفر
تغییر وضعیت
در هر چهار جبهه زد و خورد مختصری اتفاق
سیاسی جنگ
افتاد . کشتیهای روس بندر لنگران
با مورد شلیک قرار داده قریب نصف روز قلاع آن بندر را

قلاع آن بندر را آتشباران کردند. در سر پل (سالیانی) تمام روز روسها از آن طرف رود کورا، اردوگاه ایرانیان را هدف تیر خود قرار داده فریب یکساعت گلوله باران کردند در جبهه قره باغ يك هنك سوار روس در جنگه خدا فرین تاخت و تاز کرده با قراول های اردوی مرکزی ایران تمام روز زد و خورد میکنند.

در جبهه شوره گل دو دسته سوار به جنگه شمالی سردار آباد آمده قراء اطراف را آتش میزنند.

از این اقدامات ارتش روس در روز معین و در تمام جبهه های جنگی معلوم میگردد که روسها میخواستند در روز عید سال نو ارتش ایران را بترسانند و نقطه ضعیف آنها را کشف کرده برای يك تعرض بزرگ وضعیت را مهیا سازند.

در این موقع مرکز فرماندهی ارتش ایران شهر نخجوان بود و بیست هزار سرباز نظام جدید که تازه دوره خدمت نظام را تکمیل و در اردوگاه نخجوان تمرکز یافتند، برای جنگ حاضر شده بودند.

این هنگام معلوم شد که چون مارشال کدوویچ در جبهه ایران و هم در جبهه عثمانیها نتوانست يك قدم جلوتر برود از مقام فرماندهی ارتش قفقازیه معزول گشته و بجای او ژنرال «طور مصوف» که به شهامت و شجاعت موصوف است سرداری کل ارتش گرجستان معین گردید. این ژنرال از حیث معلومات و تدابیر نظامی بهتر از اولی و طرفدار صلح با ایران و جدال با دولت عثمانی بود.

همینطور که در اوضاع ارتش روسیه تغییراتی حاصل شد. در

ارتش ایران هم تغییرات مهمی بظهور رسید. قرار شد در جنگه شوره کل دو اردو تشکیل شود به فرماندهی این دو اردو محمد علی میرزا تعیین و فرماندهی کل هم کمانی السابق با عباس میرزا باشد روحانیون عالی طبقه امت اسلامی را دعوت نمودند که اسلحه بردارند و کشور قفقازیه را نجات دهند. اعلان جهاد بر ضد خصم اشرار مهمی بخشیده مشمولین با میل و آرزوی دینی به مراکز ارتش دسته دسته میآمدند. هنوز يك ماه و نیم از بهار سال ۱۲۲۴ هـ نگذشته بود که قریب یکصد و پنجاه هزار نفر در چهار جبهه مجتمع گشتند. در این اثنا مستشاران نظامی انگلیسی به صحنه جنگ رسیده در تعلیم و تسبیح ارتش اقدام میکردند - يك قسمت از مخارجات قشون کشی را که دولت انگلیس تقبل کرده بود، مرتباً میرسید و مضایقه مالی حتی المقدور تخفیف یافت ولی از حیث اسلحه جنگ ارتش در فشار بود. چه تفنگهایی که در اوایل جنگ خریداری شده بود بکلی کهنه و اغلب از کار افتاده بودند.

از اول سال ۱۲۲۴ هـ تا آخر ماه دوم در کلیه مناطق جنگی تدارکات ارتشی به اعلا درجه رسید، به هر جبهه ای یکنفر مستشار نظامی اعزام و ارتباط مناطق جنگی بوسیله قاصدهای تند سیر و کبوتران ماهر دایر گردید.

در ۲۹ خرداد ماه ۱۲۲۴ هـ نماینده نظامی مخصوص به نژد فرمانده شرق عثمانی فرستاده شد که در عملیات توأمی شرکت و در ضمن نظریات جنگی عباس میرزا را به پاشای مذکور اطلاع دهد

در این دوره ارتش شرق عثمانی بواسطه دوری مسافت از اسلامبول از حیث تجهیزات لشکری کاملاً ضعیف و از حیث وسایل نقلیه در مضایقه بود . جبهه غربی آنها که در خاک رومانی بود ، در مقابل سیصد هزار نفر قشون روس دفاع نموده و در خاک صربستان نیز با اشکالات سیاسی و ملی متوجه شده و نمیتوانست به کمک قشون شرق خود برسد .

بنابر این ارتش شرق عثمانی در قفقازیه همیشه وضعیت دفاعی داشته فقط حملات و تعرضات روسها را بسختی دفع مینمود و از منطقه جنگی دفاعی خود يك قدم جلوتر نمیا آمد . بدینجهت در تعرضات ارتش ایران ابدأ دخالت نکرده ، فقط جناح غربی صحنه جنگی ایران را حفظ و همیشه پنجاه هزار ارتش روس را مشغول مینمود . در خلال این اوقات وضعیت اروپا بواسطه اتحاد خاصی مجدداً معشوش گشت روسها عملاً به این اتحاد پنجم داخل نشدند و قشونی به مراکز قطعه اروپا نفرستادند ولی باطناً باناپلئون خوب نبوده منتظر وقت بوده اند .

چنانچه فرانسوای اول پادشاه اتریش و هنگری مراسله ای از پادشاه روس گرفته و در آنجا او را اطمینان بخشید که « نسبت به استقلال و تمامیت دولت اتریش از جانب او اقدامی نخواهد شد » از این معلوم میشود که پادشاه روس هنوز کینه درونی خود را نسبت به فرانسویها حفظ میکند . لذا نیروی غربی روس مجبور بود که تاخانمه

جنگ جهان در مراکز سوق الجیشی لهستان که آن وقتها نصف آن کشور متعلق بدولت روس بود بماند .

با وجود این ارتش روس در قفقازیه فاتح و از هر دو دولت قریب پنج ولایت ضبط نموده ، در جبهه ایران مهمترین نقاط سوق الجیشی و در خاک عثمانی بهترین مواضع تعبیه الجیشی را در دست داشت فرمانده جدید ارتش روس ژنرال « طور مصوف » نسبت به سلف خود ماهرتر و از حیث معلومات نظامی دارای مقام ارجمندی بود . وی ، برای اینکه مقام فرماندهی ارتش قفقازیه روس ابهت و نفوذ مؤثری داشته باشد ، در شهر تفلیس يك قرارگاه کتل تأسیس و برای جبهه ایران فرمانده مخصوص « ژنرال نلسین » مین و نیز در جبهه عثمانی فرماندهی مستقلی ایجاد و آنان را در کارهای خصوصی یعنی هر یکی را در جبهه های خود مستقل و آزاد ، ولی در کارهای سوق الجیشی عمومی مربوط به فرماندهی کتل دانست . بدین جهت موفق شد که خود بطور آسوده در ترتیب نقشه جنگی و تهیه افراد احتیاط و لوازم جنگی و تسهیلات لازمه مساعی خود را بموقع اجرا وضع نماید .

ژنرال طور مصوف در نقشه جنگی خود ، کمافی السابق ارتش را در جبهه ایران سه اردوی مستقل تقسیم نمود .

۱ - اردوی شوره کتل : ۲ - اردوی قره باغ : ۳ - اردوی کورا .

قرارگاه فرماندهی جبهه ایران در شهر گنجه ، نسبت به جبهه عثمانی هاهم دو اردو تجهیز نمود ، اردوی آریاچای و اردوی آجارا .

تهیه و تشکیلات روس در هر دو جبهه نسبت بسالهای قبل بهتر و

از حیث اصول اداره دارای وحدت و ضبط ربط محکم بود با اینکه
دوماه از اول سال ۱۲۲۴ هـ میگذرد، هنوز از طرف دستجات روس
تجاوزاتی واقع نشده و مثل دوره های پیش هیچ قسمتی بطور متفرق
دیده نمی شد .

ارتش ایران در این هفت سال کوشش فوق العاده بخرج داده
ولی از نبودن متفق حقیقی در تمام نبرد ها موفقیتهای بزرگ را مجبوراً
از دست داد . چون در این دوره طرف مقابل را فوق العاده قوی میدانست
لذا باحفاظت منطقه جنگی اکتفا نمود .

اردوی محمد علی میرزا دولت شاهی در وسط شوره کله تهرکز
یافته با تحکیمات قلاع ثلاثه اشتغال داشت .

در خلال این اوقات (۱۲ ربیع الثانی ۱۲۲۴ هـ) پادشاه ایران
برخلاف عقیده عباس میرزا به اردوی محمد علی میرزا حکم تعرض داد .
اردوی مزبور در ۱۷ ماه بسمت (آخسقه) و (کوه کجه کول)
بحرکت درآمد . با اینکه یک ربع این اردو از افراد نظام جدید تشکیل
یافته بود ، باز نتوانست در عملیات پیشرونی وضعیت خود را حفظ نماید
روز ۱۹ ماه همینکه با اردوی اول روس تماس حاصل نمود ، فوراً حمله
کرد و در حمله اول وضعیت خود را به مهلکه انداخت لذا مجبور شد
به نبرد های چریک مبادرت نموده بطرف قلاع ثلاثه عقب نشینی کند .
زدو خورد های طرفین قریب ده روز (از ۱۹ الی ۳۰ ماه)
بطول انجامید و بالاخره اردوی محمد علی میرزا با عدم موفقیت به
ایروان معاودت نمود .

در عشر اول جمادی الاخر ، اردوی مرگزی ایران از چندین راه و مخصوصاً از راههای کوهستان و بی‌راهه به نواحی قره‌باغ تعرض کرد . روسها در هر نقطه به مقاومت پرداختند .

در عرض بیست روز مجادله ، نتیجه‌ای که دارای اهمیت باشد ، حاصل نشد در این روزها اردوی طالش هم به زدو خورد های وضعی پرداخت در عشر آخر ماه قدری پیشرفت نمود ، ولی مخالفت و طغیان خوانین نواحی طالش « مخصوصاً مصطفی خان » کار را مشکل کرد . اردو عوض اینکه بسمت دشمن حرکت کند ، برعکس برای تسکین اغتشاشات داخلی طالش قسمت‌های مهم را از اردو مجزا کرده بدفع آنان مأمور نمود .

بهرینه روس به طالشها جداً کمک کرده اسلحه و آذوقه میداد و بنادر ساحلی را حمایت میکرد .

مسئله طالش تا اوایل زمستان طول کشید . بواسطه حلول سرمای شدید عملیات مشکل شد ولی بالاخره با تسلیم شدن مصطفی خان قضیه خاتمه یافته و روسها را از شمال طالش بیرون کردند

در مدت زمستان غیر از زدو خورد های دسته جات كوچك ابدأ عملیات بزرگ اتفاق نیفتاد و تقریباً در تمام مناطق جنگی سکونت حکمفرما بود .

در این مدت ژنرال طور مصوف دو دفعه برای مصالحه نماینده فرستاد ولی مطالبات او مورد قبول واقع نگردید .

مبحث هشتم - دوره هفتم - سال هشتم

وقایع سال
۱۲۲۵ - ۵ هـ

روز چهارشنبه پانزدهم شهر صفر در سنه يك هزار و دو بیست و پنج هجری نماینده ژنرال طور مصوف به تیریز آمده و برای مصالحه

داخل مذاکره شد ولی عباس میرزا مجبور شد قایم مقام را نزد ژنرال طور مصوف بفرستد. در بیست و هفتم ماه صفر نماینده ایران از راه قره باغ بطرف روسیه حرکت نمود.

(سوم ربیع الاول در حدود (آلاجیق) با ژنرال مذکور ملاقات و پس از مذاکرات زیاد طور مصوف پس از پذیرفته شدن وفروتنی کردن فرود شد پس با هم نشستند و منشور دو دولت بر خواندند و سخن از درصلاح برانندند و نامه از بهر متار که جنگ نگار دادند و هر دو دولت نگارش در برابر نهادند در این وقت معلوم شد که در حین توقف نایب الوزاره در عسکران فوجی مأمور تسخیر مقری شده قایم مقام از ژنرال طور مصوف سبب پرسید در پاسخ گفت چون قبل از متار که جنگ سپاه روس کری در اراضی مقری کردند و نیز مقری از توابع قره باغ است روا باشد که امنای دولت ایران سخن از آن نکنند لاجرم این سخن ثلمه در بنیان مصالحه انداخت و دیگر آنکه ژنرال طور مصوف مکشوف داشت که بعد از مصالحه با دولت ایران آهنگ منازعت رومیان دارم همانا لشگری از اراضی آخسقه و قارص به مملکت روم خواهیم برد، یکی از پیمان متار که جنگ آنست

که از ایرانیان بدیشان مدد نشود این شرط یکباره قواعد متار که حنک و مصالحه را متزلزل ساخت زیرا که در میان ایران و آل عثمانی این شرط استوار بود که در صلح و حنک هر دو دولت همدست بوده و همدستان باشند *الحمله نایب الوزاره* شرایط متار که را به فرمانده ارتش ایران اطلاع داد و وی این شرط را قبول نکرده امر *شرك* متار که حنک گفت قایم مقام در یازدهم ربیع الاول ۱۱۲۵ هـ به خدا آفرین برگشت *حدال مجدأ شروع شد* « یک هفته بعد از انقطاع مذاکرات روسها در تمام نقاط ، زدو خورد ها مبادرت نموده اند .

چون اردوهای روس به عملیات حسارت نمیکردند ، عباس مرزا هم از افراد چریک چندین دسته سوار ، طور مستقل تشکیل داده از راههای مختلف سمت دشمن روانه سو داین دستجات در نقاط مختلفه به روس ها حمله کرده با نبردهای ایلاتی آنان را ضعیف میگرداند فرمانده ارتش ایران حتی *المقدور* سعی میکرد که بیست هزار نفر سرباز نظام جدید را در احتیاط نگاهداشته در محاربات *زرك* بکار برد سی عراده توپ جدید که تازه از انگلستان رسیده بود همیشه در جنوب رود ارس در قریه خدا آفرین و قریه کرکر میگذاشت که در تعرضهای *زرك* استعمال شوند .

در خلال این اوقات (۲۷ ربیع الاول ۱۲۲۵ هـ) روسها بندر لنکران را بمباردمان کردند و نیز در حوضه سفلی رود کورا ، یک سلسله زدو خورد ها مبادرت نمودند و در ۱۳ ربیع الثانی دستجات مستقل مجاهدین از بی راهه به نواحی کنجه حمله نموده خطوط ارتباطی

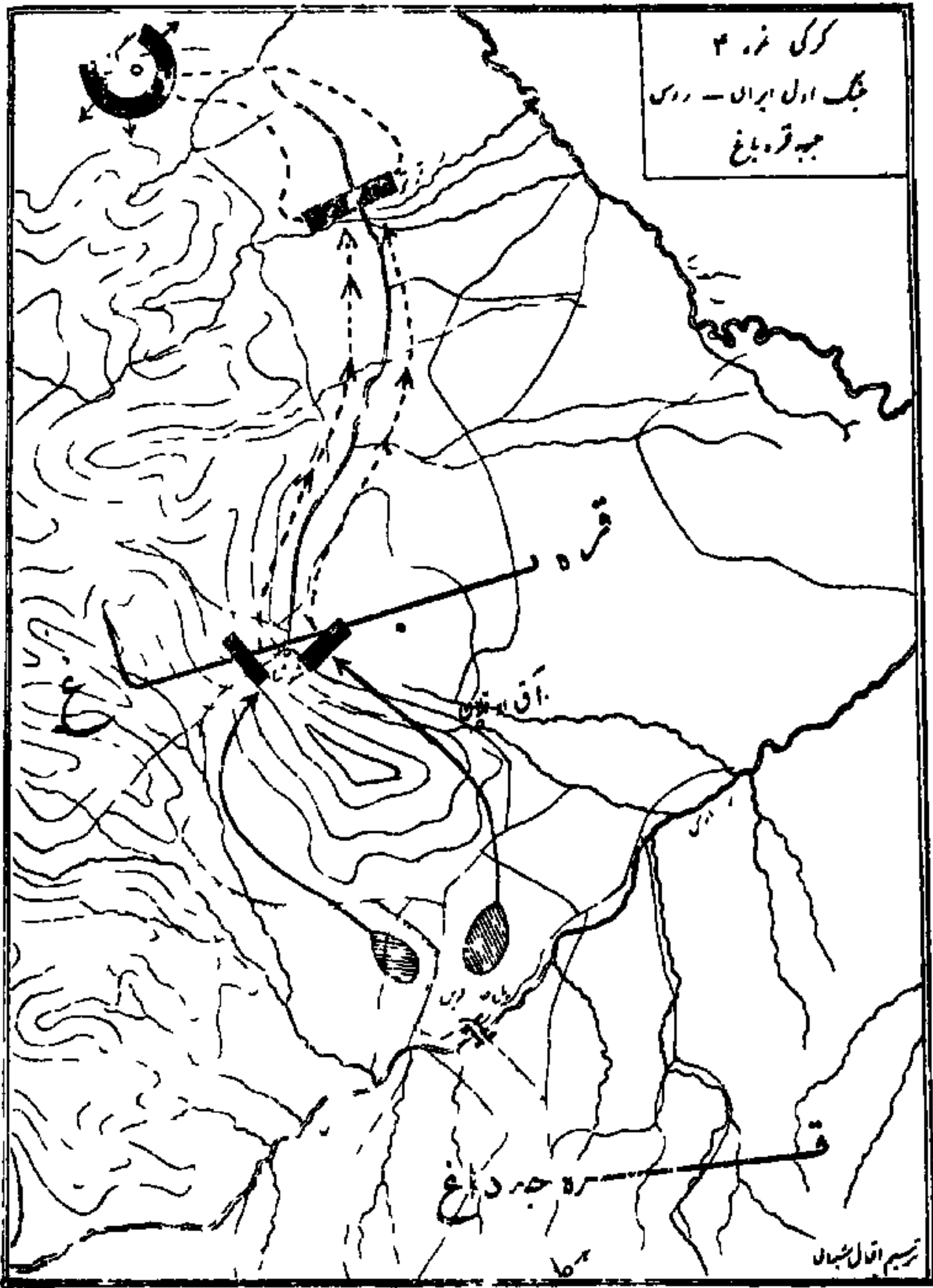
روسها را تخریب و همه جا را غارت و سوزاندند .

در ۱۵ جمادی الاول هیئت دوم مستشاران نظامی انگلیس که برای اصلاح و تسبیق توپخانه آمده بودند ، در قلعه لنگران و در قلاع ثلاثه و در سر معابر رود ارس استحکامات دائمی تاسیس و با توپهای جدید و قورخانه تازه ساخت به تحکیمات آنها افزودند .

این هنگام (۲۲ جمادی الاول ۱۲۲۵ . ه) سلیمان خان و حسین قلی خان بادکوبه با هزار نفر سوار نظام از پل خدا آفرین عبور نموده در تعقیب ساحل شمالی رود ارس بطرف بادکوبه تعرض کردند این سواران شبها راه رفته و روزها در پناه عوارض طبیعی خودشان را مخفی و بالاخره پس از هفت روز در (آلتون بازی) در یک منزلی بادکوبه به قسمتهای قلبه روس هجوم کرده و دهات سر راه را غارت و طعمه حریق قرار داده و با غنیمت زیاد مجدداً به نقطه حرکت اولیه برگشتند . تاخت و تاز این سواران فداکار در پشت سر نیروی روس فوق العاده موثر واقع شده و روسها را مجبور نمودند که از ناحیه طالش ر - مت نمایند

در تاریخ ۲۹ جمادی الاول ۱۲۲۵ . ه به خوانین داغستان اسلحه و پول و یکصد سوار داده بسمت نواحی داغستان از بی راهه اعزام گردیدند ، اینها مأموریت داشتند در پشت سر ارتش روس اهالی محل را بر ضد آنها تحریک و یگانه راه ارتباطی روسها که از نواحی داغستان بطرف قفقازیه جنوبی ممتد میگردد . مورد تهدید قرار دهند . در اواخر پائیز حرکات روسها در تمام جبهه ها قطع شد ولی کمی

کرکی غره ۳
جنگ اول ایران - روس
جبهه قره باغ



کرکی غره ۳

توسعه اقبال شهباز

بعد از این یعنی در عشر آخر ماه شوال ۱۲۲۵ . ه افسر ارتباط فی مابین ارتش عثمانی و ایران خبر داد که روسها در مقابل جبهه عثمانی قشون زیادی تمرکز داده خیال تعرض دارند ،

حقیقه در ۱۹ شوال روسها جبهه ارتش شرق عثمانی بنای تعرض را گذاردند عباس میرزا هم فوراً ارتش شوره کل را تقویت داده بکممک عثمانیها بطرف تفلیس تعرض کرد .

این ارتش در این زمستان در راه (ایروان - اش ایاران - کمری) حرکت نموده در شمال باش آباران به نروی روس تعرض کرد . روسها مدت پانزده روز از پیشرفت ایرانیان جلو گرفتند کرده اند ولی در خلال این اوقات ارتش عثمانی در حدود (آخسقه) به روسها غلبه کرد و آنان را بطرف تفلیس مجبور رجعت نمود . چون زمستان سخت تمام راهها را مسدود کرد لذا نه ارتش ایران و نه قشون عثمانی از این غلبه استفاده نکردند و بعد از این تا اواخر زمستان و بین طرفین هیچ اتفاقی رخ نداد .

در خلال این اوقات وضعیت جنگی و سیاسی - قطعاً اروپا قدری به ایران مساعد بود . چه از اواسط سال ۱۸۱۰ م امپراطور روس باز بتهیه جنگ در اروپا مشغول گردید و با انگلستان عقد دوستی بست و از آنها رجا کرد که فی مابین ایران و روس وساطت نمایند ولی دولت ایران تحلیه ناحیه کورا و قره باغ و کوجبه کول را اولین شرط قرار میداد و چون روسها به این امر راضی نمیشدند ، لذا صلح در بین ایران و روس عدم الامکان بنظر میآمد .

امپراطور روس امیدوار بود که در سال ۱۸۱۱ م به لهستان
 غربی غفلتاً هجوم آورد، و ناپلئون را غافلگیر کند، پس در آخر
 سال ۱۸۱۰ م علناً ابراز خصوصت کرد و بعضی از بنادر روسیه را
 را بروی تجارت انگلستان گشوده و ورود مال التجاره فرانسه را
 بخاک روسیه منع کرد. در این حین مردم لهستان که باوجود اظهار
 محبت الکساندر و وعده تجدیداستقلال آن کشور که تسار میداد از روس
 ها بیمناک بوده اند، ناپلئون را مستحضر ساختند که تسار باطناً در خیال
 تصرف دوک نشین (ورشو) است. ناپلئون هم شتاب تمام لشکر
 لهستانی را برآه انداخت و سپاهی زفراسه سردازی مارشال «داووت»
 روانه کرد که حافظ سرحدات کشور لهستان باشند، این اقدام موجب
 شد که آلکساندر قوری دست نگاهدارد.

مبحث نهم - وقایع جنگی سال ۱۲۲۶ هـ

روز پنجشنبه بیست و پنجم شهر صفر در سنه

یکهزار و دو بیست و بیست و شش بعد از انقضای

یازده ساعت و سی و شش دقیقه از روز خورشید

موقعیت نیروی

جنگی طرفین

به حمل شد، جشن عید سال نو در اردوگاههای ارتش گرفته شد، بیست

و پنج هزار نفر نظام جدید در این سلام اشتراک نمود، در جبهه جات

نیز افراد با کمال سرور عید میگیرند و هنوز هم معلوم نیست که چند

سال دیگر در این میدانهای جدال، دور از عائله و اویین، مهجور

از میهن خویش با خصم جنگ و جدال خواهند کرد...